

خبرنامه کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری

جمعه ۱۸ دی ۱۳۸۸

سال دوم - شماره ۴۱ - شماره مسلسل ۸۸

کارگران علیه سرمایه تشکل شویم!



کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری
Coordinating Committee to
Form Workers Organization

در این شماره:

- | | |
|--|---|
| ۵ نامه یک کارگر ذوب آهن | ۲ یک راهبرد و یک راهکار |
| ۶ چند خبر کوتاه | ۳ مصادره ۶ ماهه دستمزد ۱۳۰۰ کارگر مترو |
| ۶ تعطیل نساجی خامنه و بیکاری ۱۷۰ کارگر | ۳ مرگ ۲ کارگر در زیر آوار سرمایه |
| ۷ اعتراض کارگران نساجی مازندران | ۳ دستگیری پنج فعال سیاسی در تهران |
| ۷ تظاهرات اعتراضی خانواده های زندانیان در مقابل اوین | ۴ اعتصاب کارگران معدن مس در شیلی |
| ۷ احضار و بازجویی اعضای انجمن فرهنگی سایه در اهواز | ۴ تظاهرات اعتراضی کارگران کندلوس تنکابن |
| ۷ حکم زندان برای دو تن از فعالان کارگری در اهواز | ۴ بازداشت رضا رخشان را محکوم می کنیم |
| ۸ اعتصاب کارگران لاستیک البرز | ۴ تجمع اعتراضی خانواده ها در مقابل دادگاه انقلاب و نام عده ای از دستگیرشدگان اخیر |



نشور مطالبات پایه امی طبقه کارگر ایران را بخوانید صفحه ۹

یک راهبرد و یک راهکار

کرد، نکته ای که حتی افراطیون جناح مسلط رژیم نیز علی الظاهر منکر آن نیستند. به دنبال بیانیه موسوی، پنج تن از نظریه پردازان «اصلاح طلب» (سروش، کدیور، مهاجرانی، گنجی و بازرگان) ضمن حمایت کامل از موسوی و نیز کروی و خاتمی، از قیام «قانونی»!! مردم سخن گفتند و مردم را به عدم خشونت فراخواندند. این فراخوان در نامه عزت اله سبحانی، از سران جریان ملی- مذهبی، به اپوزیسیون خارج کشور تجدید شد. پنج نظریه پرداز اصلاح طلب فوق در بیانیه خود نوشتند: «کینه و نفرتی که در سی سال گذشته در سطوح مختلف جامعه انباشته شده، بسیار عمیق و ریشه دار است. این نارضایتی ژرف توان تخریبی عظیمی دارد که در صورت فوران، موج گسترده ای از خشونت را در سطوح مختلف جامعه ایران دامن خواهد زد». گویی در این سی سال و از جمله در زمانی که خود این اصلاح طلبان در قدرت بودند جامعه تخریب نشده است و فقط دفاع مردم از خود در مقابل خشونت است که جامعه را در معرض تخریب قرار می دهد!! گویی اعدام هزاران انسان در دهه شصت و در زمانی که همین اصلاح طلبان در قدرت بودند خشونت نبوده است!! این نکته به روشنی نشان می دهد که این به اصطلاح اصلاح طلبان نه نگران رواج خشونت و تخریب جامعه به طور کلی بلکه فقط نگران خشونت هستند که آنان را به حاشیه قدرت فروراند. وگرنه چه طور شد که حمله مردم به پادگان های رژیم شاه و خلع سلاح آن ها، که رژیم جمهوری اسلامی از جمله همین اصلاح طلبان را به قدرت رساند، جایز و مشروع بود اما خلع سلاح تنی چند از سرکوبگران در روز عاشورا آن هم در جریان دفاع مردم از خود، خشونت نامشروع و تخریبگری است که باید متوقف شود؟ آیا فقط خشونت جایز و مشروع است که ما را به قدرت برساند؟ آیا فقط خشونت محکوم است که ما را به حاشیه براند؟ همین جا بگویم که ما عنوان بخش کوچکی از طبقه کارگر طرفدار قهر و خشونت نبوده و نیستیم و هیچ گاه از آن استقبال نکرده ایم و نمی کنیم. به نظر ما، بهترین حالت برای تحول جامعه انسان ها این است که نظام سرمایه داری از میان بریزد بدون این که خون از دماغ هیچ کسی بریزد. اما خوب می دانیم که این نظام و دولت نگهبان آن برای دوام و بقای این نظام انسان ستیز تمام جامعه را به خون می کشد. در چنین حالتی، به نظر ما، دفاع از خود در مقابل این خشونت سرکوبگر خونریز حق مسلم هر فرد اعم از حقیقی و حقوقی است که برای آزادی انسان یعنی از میان برداشتن سرمایه داری و استقرار جامعه ای انسانی مبارزه می کند.

به موضوع بحث بازگردیم. خلاصه بحث بالا این است که اصلاح طلبان اعم از حکومتی و غیرحکومتی می کوشند با نگر داشتن جنبش اعتراضی جاری در چهارچوب شکل قابل تحمیلی از جمهوری اسلامی و نوع اصلاح شده ای از ولایت فقیه این جنبش را مهار کنند و آن را به گزینه مطلوب سرمایه در داخل و خارج تبدیل نمایند. ما بارها گفته ایم و این نکته را مورد بحث قرار داده ایم که تا آنجا که به سرمایه داری ایران یعنی جایگاه خرید و فروش نیروی کار ارزان و بی حقوق مربوط می شود این گونه تلاش ها راه به جایی نمی برند و حتی اگر در کوتاه مدت هم موفق شوند باز هم ساختار سرمایه داری ایران قدرت سیاسی را الزاما به سوی استبداد خشن و خونریز سوق خواهد داد. بنابراین، از نظر ما، طبقه کارگر باید با این گونه تلاش ها نه به علت تحقق پذیری آن ها بلکه به دلیل توهم پراکنی «اصلاح طلبانه» و به بیراهه بردن جنبش ضدسرمایه داری طبقه کارگر مبارزه کند. به نظر ما، طبقه کارگر برای مبارزه با تلاش توهم آفرینانه اصلاح طلبان و بدین سان ایجاد صف طبقاتی مستقل خود برای جلوگیری از بیراهه رفتن جنبش کارگری باید به یک راهبرد (استراتژی) و یک راهکار (تاکتیک) متناسب با اوضاع سیاسی کنونی جامعه تجهیز شود. تا آنجا که به بحث **راهبرد طبقاتی مستقل مربوط می شود، کارگران باید مبارزه طبقه با طبقه (یا جنبش با جنبش) را جایگزین مبارزه حزب با حزب کنند.** تا زمانی که کارگران

سی و یک سال پیش در چنین روزهایی بود که دنیای سرمایه داری به تکاپو افتاد و در کنفرانسی در گوادولوپ تصمیم گرفت که برای نجات سرمایه داری ایران از چنگ انقلاب دست از حمایت رژیم شاه بردارد و حفظ این سرمایه داری را به جمهوری اسلامی بسپارد. روشن است که حتی اگر دنیای سرمایه داری نیز این تصمیم را نمی گرفت رژیم شاه قادر به ایستادگی در برابر امواج سرکش انقلاب نبود، زیرا این رژیم به قول معروف در ذهن اکثریت مطلق افراد جامعه تیرباران شده بود و هیچ جایی برای ماندن نداشت. و درست به همین علت بود که نمایندگان سرمایه جهانی در کنفرانس مذکور به این نتیجه رسیدند که عطای رژیم شاه را به نقایش ببخشند و نگرهبانی از رابطه اجتماعی خرید و فروش نیروی کار در ایران را به رژیم نخواستند و برخوردار از پشتوانه مردمی بسپارند.

مقایسه اوضاع کنونی ایران با اوضاع آن زمان بسیار زود هنگام و چه بسا گمراه کننده است، به طوری که با اطمینان کامل می توان گفت که فعلا گزینه مطلوب سرمایه جهانی برای حفظ سرمایه داری ایران همچنان جمهوری اسلامی است. لیکن شواهد و قرآنی به چشم می خورد که نشان می دهد بخش غالب اپوزیسیون اعم از داخل و خارج می کوشد به جای شکل حاکم و کنونی جمهوری اسلامی شکل اصلاح شده آن را به گزینه مطلوب سرمایه جهانی برای حفاظت از رابطه خرید و فروش نیروی کار در ایران تبدیل کند. اوضاع سیاسی ایران به سرعت برق (در مقیاس تاریخی، مدت زمان شش ماه حتی گذر یک لحظه به سرعت برق نیز به حساب نمی آید) از مطالبه انتخابات بی تقلب ریاست جمهوری به خواست تغییر حاکمیت روی آورده است. این خواست هر چند فقط سلبی است و توأم با گزینه اثباتی مورد قبول عامه مردم نیست، اما به علت همان شتاب شگفت انگیز روند اوضاع سیاسی ایران می تواند به سرعت جنبه اثباتی نیز پیدا کند. و درست از همین رو است که جریان غالب اپوزیسیون، که جنبش اعتراضی مردم را «جنبش سبز» می نامد، به سرعت خود افزوده است تا شاید به پای این جنبش برسد و با تثبیت و تحکیم راهبرد خود در آن (جایگزینی «اسلام شیطانی» با «اسلام رحمانی») از چرخش آن به سوی ضدیت آگاهانه با سرمایه داری جلوگیری کند و بدین سان آن را به گزینه مطلوب سرمایه اعم از داخلی و خارجی بدل نماید. این افزایش سرعت به ویژه پس از پاره شدن عکس خمینی در دانشگاه آغاز شد. پس از این رویداد بود که «اصلاح طلبان» برای اعلام برانگیز از آن و تحت این عنوان که جناح حاکم برای سرکوب جنبش دست به این اقدام زده است خواهان مجوز برای راه پیمایی شدند، که البته معلوم بود با آن موافقت نخواهد شد. تلاش اصلاح طلبان برای جلوگیری از چرخش جنبش به سوی رادیکالیسم به ویژه در جریان مرگ منتظری آشکارتر شد. منتظری به «رهبر معنوی جنبش سبز» و «پدر حقوق بشر در ایران» تبدیل شد. فضای رسانه های داخلی و خارجی حامی اصلاح طلبان از این نگرانی آکنده شد که گویا اکنون دغدغه مردم این است که کدام روحانی می تواند جای خالی این «فقیه عالی قدر» و «نظریه پرداز ولایت فقیه» را پر کند: آیا صانعی می تواند این خلاء را پر کند و «جنبش سبز» از یتیمی و بی پدری به درآورد؟ این تلاش و تقلا اصلاح طلبان برای مرجع سازی و جلوگیری از خروج جنبش از مدار مرجعیت و ولایت فقیه همزمان شد با ورود جنبش به مرحله مقابله با خشونت و سرکوب در روز عاشورا، و همین امر مولفه دیگری را به تلاش و تقلا اصلاح طلبان برای مهار امواج جنبش افزود و آن توصیه عدم خشونت به مردم معترض بود. دفاع مردم از خود در مقابل قهر و خشونت تحمیلی، در بیانیه شماره ۱۷ موسوی به «سیلاب گل آلود» ی تعبیر شد که باید با جاری کردن نهرها و چشمه های آب زلال و شیرین به درون آن (خواست های پنجگانه او) روشنی و شفافیت خود را باز یابد. موسوی همچنین در این بیانیه، برای آرام کردن طغیان مردم در روز عاشورا به سود ولایت فقیه، از عدم مشروعیت دولت احمدی نژاد هم سخنی نگفت و به جای آن پاسخ گویی دولت در مقابل مجلس و قوه قضائیه را مطرح

به صورت **طبقه** متشکل نشده باشند و صحنه سیاسی جامعه جولانگاه احزاب و تقابل آن ها با یکدیگر (حتی تقابل و مبارزه احزاب اپوزیسیون با احزاب در قدرت) باشد، همیشه این امکان وجود دارد که طبقه کارگر به سپاهی لشکر این یا آن حزب تبدیل شود. در شرایط خاص کنونی، محتمل ترین امکان برای مبارزه طبقه کارگر این است که این طبقه به سپاهی لشکر احزاب «اصلاح طلب» تبدیل شود. برای منتفی کردن یا دست کم تضعیف این امکان، کارگران باید به صورت یک طبقه مستقل به شکل شورایی و حول مطالبات پایه ای خود متشکل شوند. اما این راهبرد، در شرایط کنونی و به طور خاص برای تضمین استقلال از جریان «اصلاح طلبی» باید با راهکار مبارزه برای جدایی کامل دین از حکومت توأم شود. در شرایط خاص کنونی، بردن این راهکار به درون وسیع ترین توده های طبقه کارگر است که بر بستر راهبرد طبقاتی و ضدسرمایه داری فوق استقلال

این طبقه را از جریان سرمایه داری «اصلاح طلب» تضمین می کند. کارگران آگاه همه جا باید تبلیغ کنند که دین امر خصوصی افراد است (امری خصوصی که در عین حال قابل نقد است و باید نقد شود) حال آن که حکومت امری عمومی است و از همین رو باید یکسره غیردینی (سکولار) باشد. در مورد آن راهبرد و این راهکار و ضرورت آن ها برای تضمین صف مستقل طبقه کارگر در جنبش جاری فعلاً به همین اشاره بسنده می کنیم و در آینده آن ها را بیشتر بازخواهیم کرد.

کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری

۱۷ دی ۱۳۸۸

مصادره ۶ ماهه دستمزد ۱۳۰۰ کارگر مترو

و علیه تمامی افراد خانواده این ۱۳۰۰ کارگر اعمال کرده و استمرار بخشیده اند. نفس کارگران اینک سخت بند آمده است. کارد به استخوان همگی آنان رسیده است. همه خشمگین و عاصی و ملامت از نفرت و قهرند. حدود ۶۰۰ نفر از آنان دست به اعتراض زده و خواستار دریافت فوری همه دستمزدهای خود هستند. سرمایه داران در مقابل این قهر و خشم و اعتراض باز هم مقاومت می کنند و تا این لحظه هیچ ربالی به کارگران پرداخت نکرده اند.

منبع: ایلنا

۱۶ دی ۸۸

تحت تمامی این مصیبت ها اکنون ۶ ماه است که همان دستمزدهای ناچیزشان هم توسط سرمایه داران مصادره شده است و هیچ ربالی حقوق دریافت نکرده اند. ۶ ماه است که گرسنگی می کشند، هر روز به امید فردا با تحمل اجباری هزاران نوع تحقیر و مذلت و محنت پول غذای روزانه خود را از این و آن قرض می گیرند، از این طریق نیرویی برای کار کردن در بدن ذخیره می کنند و روز بعد این نیرو را بدون گرفتن هیچ دستمزدی در اختیار سرمایه دار قرار می دهند. کارگران ۶ ماه است که این وضع را ادامه داده اند و سرمایه داران هم ۶ ماه است که این ددمنشی و جنایت و سببیت را علیه آنان

ایستگاه متروی پل صدر حدود ۳ سال است که در دست ساختمان است. در اینجا ۱۳۰۰ کارگر کار می کنند و استثمار می شوند و تمامی مشقات و مصائب کار در سخت ترین شرایط را با نازل ترین میزان دستمزدها تحمل می کنند. از میان این ۱۳۰۰ کارگر، ۸۰۰ تن را کارگران آواره افغان تشکیل می دهند که استثمار آنان تابع هیچ مرز و محدوده و حساب و کتاب و قرار و مداری نیست. هر جنایتی که لازمه محاسبات سودآوری افزون تر باشد از سوی سرمایه داران بر آنان تحمیل می شود و هر نوع حق اعتراض و شکایت و مقاومت هم به طور کامل از آنان سلب است. این کارگران علاوه بر

مرگ ۲ کارگر در زیر آوار سرمایه

توده عظیم شن اجساد کارگران در زیر آوار جنایت سرمایه دفن می گردد و تلاش کارگران آتش نشانی برای نجات همزنجیران خود به هیچ نتیجه ای نمی رسد.

منبع: ایلنا

۱۶ دی ۸۸

حفاری به طور مستمر جان کارگران را تهدید می کرده است. صاحبان سرمایه با یقین کامل به این مخاطرات و صرفاً به دلیل قائل نبودن هیچ بهایی برای جان توده های کارگر، آنان را به انجام کار در این شرایط بسیار مرگبار مجبور ساخته اند. کارگران زیر فشار فقر و گرسنگی خود و افراد خانواده این شرایط مرگ آور را قبول کرده و از وحشت مرگ ناشی از گرسنگی به استقبال مرگ ناشی از نبود ایمنی محیط کار رفته اند. با ریزش

۲ کارگر پروژه آب و فاضلاب اصفهان در حین کار دچار سانحه ناشی از وخامت شرایط کار شدند و جان خویش را از دست دادند. هر دو نفر به صورت پیمانی برای سرمایه داران کار می کردند و شرایط کار آنان از همه لحاظ مرگبار و آکنده از مخاطرات حتمی جانی بود. منطقه کار آنان بنا به اعتراف عوامل دولتی سرمایه در شهرداری گسل های لغزان و در حال ریزش شنی در میان لایه های رسی خاک بوده است و خطر فروریزی توده عظیم شن در حین

دستگیری پنج فعال سیاسی در تهران

دستگیری آنان در دست نیست. علاوه بر افرادی که گفتیم دو نفر از دوستان آنان با نام های مجتبی نادری و ابوذر مومنی نژاد نیز از روز شنبه ناپدید شده اند و هیچ خبری از آنان در دست نیست.

منبع: سایت های اینترنتی

۱۶ دی ۸۸

دانشجویان چپ و فعالین کارگری) محمد رضا احمدی (پژوهشگر مسائل اجتماعی و روزنامه نگار)، مصطفی دهقان (روزنامه نگار) و لاله رشیدی (معلم و روزنامه نگار) نیز دستگیر شده اند. طبق اخبار کسب شده از خانواده های بازداشت شدگان، این پنج تن به بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل شده اند و تا کنون اطلاع دقیقی از اتهام و علت

شامگاه روز شنبه دوازدهم دی ماه پنج تن از فعالین سیاسی فرهنگی مستقل در تهران بازداشت شدند. نیروهای امنیتی شامگاه روز شنبه به منزل شخصی فروغ میرزایی و روزبه کریمی مراجعه نمودند و آنان را همراه سه تن از مهمانانشان دستگیر کردند. علاوه بر روزبه کریمی (روزنامه نگار) و فروغ میرزایی (وکیل دادگستری و وکیل

اعتصاب کارگران معدن مس در شیلی

۵۶۰۰ کارگر در این معادن با بدترین شرایط کاری و دستمزدهای ناچیز مورد استثمار قرار می گیرند.

منبع: نشریه انگلیسی علیه کار مزدی

ژانویه ۲۰۱۰

mines روی هم ۴ درصد مس جهان را تولید می کنند. در ماه های اخیر قیمت مس در بازارهای جهانی به سرعت افزایش داشته است به صورتی که هر تن مس به بهای ۷ هزار دلار در بازارهای جهانی به فروش می رسد. این دو معدن هر سال بیش از ۱/۵ میلیون تن مس تولید می کند، و بیش از

دوشنبه چهارم ژانویه، سانتیاگو- امروز کارگران دو معدن بزرگ مس در شیلی برای افزایش دستمزد و شرایط بهتر کاری دست به اعتصاب زدند. این دو معدن متعلق به شرکت بزرگ معدن شیلی Codelco بزرگترین تولید کننده مس در جهان است. این دو معدن به نام های Chuquicamata و Mina Sur

تظاهرات اعتراضی کارگران کندلوس تنکابن

و وضع مالی آن ها به همین علت مختل گردیده است، سخنی که به کارگران تحویل می دهند تا برای مصادره دستمزدها و امتناع از پرداخت آن ها بهانه ای دست و پا کرده باشند. کارگران در تظاهرات اعتراضی خود خواستار پرداخت فوری دستمزدهای چهار ماهه و تمدید هر چه سریع تر دفترچه های بیمه خویش شدند.

منبع: ایلنا

۱۵ دی ۸۸

کارگران رها شوند. عوامل دولتی سرمایه در فرمانداری می گویند که به سهم خود برای گشایش مشکلات تلاش کرده اند اما سرمایه داران همراهی نشان نداده اند و سرمایه داران برای تعدیبات خویش علیه کارگران حرف های دیگری بر زبان می رانند. کندلوس در زمره بزرگ ترین شرکت های تولید مواد دامی و لبنی در منطقه تنکابن است. مدت هشت سال با سببیت هر چه هولناک تر کارگران را استثمار کرده است. حجم سرمایه های را خود را بیشتر و بیشتر ساخته و مدام فشار استثمار کارگران را افزایش داده است. سرمایه داران می گویند که در صدور تولیدات آن ها به خارج از کشور اخلال شده

مصادره ۴ ماهه همه دستمزدهای کارگران توسط سرمایه داران، تمدید نشدن دفترچه بیمه هیچ یک از کارگران و وعده های توخالی، دروغین و بی سرانجام مدیریت شرکت از جمله مهم ترین عللی است که کارگران شرکت کندلوس را به سازمان دادن تظاهرات و سر دادن فریاد اعتراض کشانده است. حدود ۴۰ کارگر در مقابل فرمانداری تنکابن اجتماع کردند تا به این مظالم و وضعیت رقت بار زندگی و شرایط کار خود اعتراض کنند. سرمایه داران هر کدام تقصیر را به گردن دیگری می اندازند. این تاکتیک همیشگی آن هاست تا همگی به طور همدست و هم رأی از فشار اعتراضات

بازداشت رضا رخشان را محکوم می کنیم

حق مسلم هر کارگری می دانیم. بدین سان، بازداشت رضا رخشان را نیز محکوم می کنیم و خواستار آزادی بی درنگ و بدون هیچ قید و شرط او هستیم.

۱۴ دی ۸۸

مصادره کرده اند. رضا رخشان از جمله فعالان سندیکالیست است. ما همیشه سندیکالیسم را مورد انتقاد قرار داده و آن را آفتی برای جنبش ضدسرمایه داری طبقه کارگر اعلام کرده ایم. با این همه، هر نوع بازداشت و اعمال فشار بر هر فعال جنبش کارگری از جمله فعالان سندیکالیست را محکوم می کنیم. ما ضمن مخالفت با سندیکالیسم و سندیکاسازی، تشکیل سندیکا و فعالیت سندیکایی را

خبرها حاکی است که رضا رخشان مسئول روابط عمومی سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه در روز ۱۴ دی ماه به حراست کارخانه احضار و سپس توسط نیروهای امنیتی دولت سرمایه بازداشت شده است. خبر همچنین حاکی است که عوامل سرکوب سرمایه به خانه رخشان هجوم برده و پس از ایجاد مزاحمت و رعب و وحشت برای ساکنان خانه مقداری وسایل شخصی از جمله کیس کامپیوتر او را

تجمع اعتراضی خانواده ها در مقابل دادگاه انقلاب و نام عده ای از دستگیرشدگان اخیر

بازداشت شده ها بود اما زمانی که خانواده ها به طرفش می رفتند که این سوال را بپرسند با برخوردی توهین آمیز و صدایی بلند به خانواده ها می گفت بروید عقب تر نفستون به من نخورد. اگر می بینید خبری از بازداشت شده ها نیست به خاطر این است که پرونده تکمیل نشده، بگذارید جرمشان مشخص بشود. خانواده ها اعتراض می کردند که چه جرمی؟ شانه اش را می انداخت بالا و می گفت وقتی ثابت شد و اقرار کردند با عکس ها و فیلم هایی که از تگ تگ آن ها داریم بعدا می فهمید. او برای این که خانواده ها را از سر خود باز کند می گفت خیلی

برای تمام اعضاء خانواده بازداشت شده ها سخت است اما نگرانی و اضطراب در نگاه و صحبت های مادران بیشتر از بقیه دیده و شنیده می شود. امروز تعداد نیروهای انتظامی مستقر در جلوی دادگاه انقلاب را بیشتر کرده بودند. ۳ موتور سوار و دو اتومبیل و ون نیروی انتظامی را مستقر کرده بودند که داخل ون ها ماموران زن هم دیده می شد. یکی از کارکنان دادگاه انقلاب که سرهنگ صدایش می زدند امروز با تندی و بی ادبی تمام با خانواده ها صحبت می کرد. او مسئول پاسخگویی به مردم است. بیشترین سوال خانواده ها در مورد مکان نگهداری

بنا به گزارشات رسیده به فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران، روز دوشنبه ۱۴ دی ماه از ساعت ۹ صبح داخل و بیرون دادگاه انقلاب پر از جمعیت مادران و پدران و همسران و حتی فرزندان بود که مضطرب و نگران به دنبال خبری از عزیزان خود بودند. به خصوص که هر روز شایعه هایی در مورد مکان نگهداری بازداشت شده ها، شرایط و وضعیت آن ها، محاکمه سریع تعدادی از بازداشت شده ها در بین خانواده ها شنیده می شود. خانواده ها هنوز نمی دانند بازداشت شده ها توسط چه ارگانی بازداشت شده اند. این شرایط اگرچه

نگران هستید بروید اوین، دادستانی، قوه قضاییه. اینجا تا تکمیل نشدن پرونده جوابی نمی گیرید. خانواده ها هم با زدن لیخندی تمسخرآمیز به یکدیگر می گفتند رفت اسلامی!!! روز عاشورا جوان های مردم را کشتند و با ماشین آن ها را زیر گرفتند بعد می گویند رفت اسلامی!!! در اینجا لیست جدیدی از اسامی تعدادی از بازداشت شده های روز تاسوعا و عاشورا برای ارسال به سازمان های حقوق بشری و اطلاع عموم انتشار می یابد.

با این لیست تا به حال اسامی ۵۹ نفر از بازداشت شدگان روزهای تاسوعا و عاشورا منتشر شده است.

۱- عاطفه فومنی ۲۶ ساله روز تاسوعا توسط لباس شخصی ها بازداشت و مکان نگهداری وی نامشخص ۲- گیثا معینی فر ۳۰ ساله روز تاسوعا در امام حسین بازداشت و به اوین منتقل شده ۳- مریم جنتی ۲۶ ساله روز عاشورا بازداشت و به اوین منتقل شده ۴- نادیا گوهری ۲۸ ساله روز عاشورا بازداشت و به اوین منتقل شده ۵- امین سیف اللهی ۳۰ ساله روز عاشورا در پارک دانشجو چهارراه ولی عصر بازداشت شده و مکان نگهداری

وی نامشخص ۶- حامد احمدی پناه ۲۹ ساله روز عاشورا در خیابان حافظ بازداشت شده به خانواده وی گفته اند در اوین است ۷- امیر آقایی ۲۵ ساله روز عاشورا در ولی عصر بازداشت با خانواده تماس گرفته به محض پرسیدن خانواده از مکان نگهداری تلفن وی را قطع کرده اند ۸- هادی سعادت ۲۵ ساله بعد از مراسم جماران خانواده از وی اطلاعی ندارند ۹- میلاد احمدلو ۲۷ ساله روز عاشورا در کالج بازداشت و به اوین منتقل شده ۱۰- حامد جمشیدی ۳۸ ساله و متاهل در امام حسین بازداشت و مکان نگهداری وی نامشخص ۱۱- کاوه شعبانی ۳۰ ساله روز عاشورا در ولی عصر بازداشت و به اوین منتقل شده ۱۲- محمد حسین کلهر ۲۶ ساله ۱۶ آذر در ولی عصر بازداشت و به اوین منتقل شده ۱۳- منصور بایرامی ۲۰ ساله روز تاسوعا در انقلاب بازداشت و مکان نگهداری وی نامشخص ۱۴- نوید محمدعلی ۲۵ ساله روز عاشورا در آزادی بازداشت و به اوین منتقل شده ۱۵- صادق کاظم شاهی ۳۳ ساله در مراسم جماران توسط لباس شخصی ها مورد ضرب و شتم قرار گرفته و با بینی شکسته بازداشت و مکان نگهداری وی

نامشخص ۱۶- خسرو رمضان زاده ۲۸ ساله روز عاشورا در آزادی تقاطع شادمان بازداشت و به اوین منتقل شده ۱۷- محمدرضا پنجعلی ۲۳ ساله روز تاسوعا در انقلاب بازداشت و به اوین منتقل شده ۱۸- جعفر رضازاده اردبیلی ۳۲ ساله روز عاشورا در آزادی - نواب بازداشت و مکان نگهداری وی نامشخص ۱۹- محسن خشنود ۲۲ ساله روز عاشورا در اسکندری بازداشت و به اوین منتقل شده ۲۰- سهراب افشاری مقدم ۲۸ ساله در مراسم جماران بازداشت و به اوین منتقل شده ۲۱- امیرمحمد وثوقی ۳۰ ساله روز تاسوعا در فردوسی بازداشت و به اوین منتقل شده ۲۲- علیرضا فلاح تفتی ۲۹ ساله روز عاشورا در آذربایجان بازداشت و مکان نگهداری وی نامشخص ۲۳- محسن کریمی ۲۲ ساله روز عاشورا در چهارراه ولی عصر بازداشت و به اوین منتقل شده ۲۴- ساسان برزگری ۳۱ ساله روز عاشورا در ولی عصر بازداشت و به اوین منتقل شده است.

منبع: فعالین حقوق بشر و دموکراسی

۱۴ دی ۸۸

نامه یک کارگر ذوب آهن

سلام

من در کارخانه ذوب آهن اصفهان کار می کنم این کارخانه دچار بحران مالی شدیدی است و در آستانه ورشکستگی است. کارخانه در هر ماه شاهد چندین اعتصاب کارگری در شرکت های پیمانکاری است و اوضاع آن رو به وخامت بیشتر می رود. علت آن بدهی صدها میلیاردی کارخانه، کساد بازار فروش محصولات فولادی اعم از تیرآهن، میله گرد و... واردات تیرآهن و میله گرد چینی و قیمت های پایین این محصولات است به نحوی که هزینه تولید بیشتر از قیمت فروش است. مشکل دیگر ذوب آهن این است که پرداخت حقوق بازنشستگان این شرکت با خود ذوب آهن است و از بودجه جاری کارخانه پرداخت می شود و به تازگی با خصوصی شدن فولاد مبارکه و فولاد خوزستان که به همراه ذوب آهن اصفهان عضو صندوق بازنشستگی شرکت ملی فولاد هستند پرداخت حقوق بازنشستگان این دو شرکت هم به ذوب آهن اصفهان محول شده است که در سال بار مالی ۲۸۰ میلیارد تومانی را به ذوب آهن تحویل می کند.

به دلیل مشکلات یاد شده بدهی ذوب آهن به شرکت های پیمانکار زیاد شده و شرکت های پیمانکار توان پرداخت حقوق کارگران شان را ندارند. کارگران بیشتر این شرکت ها از دو تا شش ماه حقوق شان را دریافت نکرده اند و هفته ای نیست که کارگران یکی

صورت پرداخت نشدن حقوق شان مانند آذر ۸۷ اتوبان اصفهان - شهرکرد را در گردنه فولادشهر نزدیک درب ذوب آهن مسدود خواهند کرد که در عرض ۲ روز حقوق شان پرداخت شد. مورد دیگر تاخیر در پرداخت پاداش ماهانه کارکنان رسمی ذوب آهن است که در طول تاریخ شرکت یک بار سابقه دارد که آن یک بار هم با اعتصاب کارگران مواجه شد. در کارخانه شایعاتی پخش شده که به علت بحران مالی شرکت ممکن است پاداش های ماهانه لغو شود یا به میزان قابل توجهی کاهش یابد. این شایعات به اضافه تاخیر در پرداخت حقوق و پاداش ماهانه باعث شده که زمزمه هایی در باره اعتصاب در میان کارگران رسمی شرکت که نقاط حساس تولید در کارخانه را در دست دارند آغاز شود. مسئولان مالی ذوب آهن می گویند که دولت کمکی به این شرکت نمی کند و در ۲ ماه گذشته برای پرداخت حقوق کارکنان و بازنشستگان وام بانکی گرفته اند. متأسفانه به علت عدم اطلاع رسانی این تحولات و اتفاقات احتمالی پیش رو از دید رسانه ها مخفی مانده است، در صورتی که ذوب آهن اصفهان مجمع بزرگی است که بیش از ۸۰۰۰ پرسنل رسمی و ۱۰۰۰۰ پرسنل دارد.

منبع: اتحادیه آزاد کارگران ایران

۱۳ دی ۸۸

چند خبر کوتاه :

ادامه اعتصاب کارگران راه آهن فرانسه

بیش از دو هفته از اعتصاب کارگران شرکت راه آهن فرانسه می گذرد. این اعتصاب توسط کارگران بخش حمل و نقل فرانسه (RATP) و کارگران شرکت ملی راه آهن این کشور (SNCF) راه افتاده است.

دسامبر ۲۰۰۹

مرگ و زخمی شدن کارگران در اندونزی

فرو ریختن یک ساختمان در مرکز بازاریابی تا ناه ابانگ جاکارتا ، پایتخت اندونزی، ۳ کشته بر جا گذاشت. این ساختمان در تاریخ ۸۸/۱۰/۲ فرو ریخت و باعث مرگ ۳ کارگر و زخمی شدن ۱۳ نفر دیگر شد که بیشتر آنان کارگران ساختمانی بودند. عده ای در زیر آوار مانده بودند که با تلاش ماموران بیرون آورده شدند.

دسامبر ۲۰۰۹

مرگ چهار کارگر در کانادا

بر اثر فرو ریختن داریست یک ساختمان در تورنتوی کانادا چهار کارگر کشته و یک کارگر زخمی شدند. این کارگران در حال تعمیر بالکن آپارتمانی در طبقه سیزدهم یک ساختمان بودند که در اثر فروریختن داریست سقوط کردند و چهار تن از آنان در دم جان سپردند.

دسامبر ۲۰۰۹

کارکنان بیمارستان قلب رجایی حق مسکن دریافت نمی کنند

به کارکنان بیمارستان قلب رجایی در تهران حق مسکن تعلق نمی گیرد. لازم به ذکر است که حق مسکن بخشی از دستمزد است که سرمایه داران و دولتشان آن را به صورت جداگانه پرداخت می کند تا هر وقت که خواستند بتوانند آن را قطع کنند. از جمله بخش های دیگر دستمزد که به همین صورت پرداخت می شوند می توان به حق اولاد، حق خوارو بار، حق ایاب و ذهاب، حق افزایش تولید تحت نام های آکورد و رکورد و انواع و اقسام «حق» !! های دیگر اشاره کرد.

۸ دی ۸۸

عقب افتادن دستمزد رانندگان اتوبوس در پارس آباد مغان

دستمزد ۱۴ نفر از رانندگان شرکت واحد اتوبوسرانی پارس آباد مغان سالانه و در اواخر اسفند ماه پرداخت می شود که این مسئله باعث وخامت بیش از پیش وضعیت معیشتی این رانندگان شده است. با وجود اطلاع رسانی به اردبیل و بررسی گزارش از سوی سازمان خدمات شهری این شهر، پس از گذشت بیش از ۹ ماه از سال هنوز دستمزد و حقوق این کارگران پرداخت نشده است.

۸ دی ۸۸

کشته شدن ده ها کارگر در اثر انفجار معدن زغال سنگ در چین

در اثر انفجار در معدن زغال سنگ دونگ کو استان شانسی که ناشی از تراکم حجم بالای گاز متان در معدن زغال سنگ بود ۱۲ کارگر کشته شدند. همچنین در استان یونان در جنوب غربی چین حادثه مشابهی رخ داد و ۱۱ کارگر معدنچی زیر آوار گرفتار شدند که از سرنوشتشان هیچ خبری در دست نیست.

دسامبر ۲۰۰۹

۳۰۰ هزار نفر در جنوب ایران کپرنشین هستند

مهدیان معاون بنیاد مسکن گفت در ۳ استان جنوبی کشور، استان های کرمان، سیستان و بلوچستان و هرمزگان، مناطقی وجود دارد که در آن ها حدود ۳۰۰ هزار نفر در کپر زندگی می کنند. کپر خانه ای است که آن را از حصیر درخت خرما می سازند و طول آن ۲/۵ تا ۴ متر، عرض اش ۲ تا ۳ متر و ارتفاع آن حد اکثر ۲ متر است.

منبع : روزنامه اطلاعات

۸ دی ۸۸

گروهی از فعالان ضدسرمایه داری گیلان

دی ماه ۱۳۸۸

تعطیل نساجی خامنه و بیکاری ۱۷۰ کارگر

کارخانه نساجی خامنه ۱۵ ماه است که تعطیل گردیده است و ۱۷۰ کارگر آن به طور کامل بیکار شده اند. کارگران در این ۱۵ ماه هیچ ریالی دستمزد دریافت نکرده اند. آنان در این مدت به همه تلاش ها دست زده اند تا شاید به سر کار خود بازگردند و حقوق های معوقه خویش را دریافت کنند. یکی از کارگران می گوید که برای ادامه کار شرکت نیاز به

۲۰۰ میلیون تومان کمک دولت بوده است اما نهادهای دولتی از پرداخت این مبلغ سر باز زده اند. همین کارگر اضافه می کند که توافق دستگاه های دولتی با پرداخت این مبلغ اندک می توانست مانع بیکاری و بی دستمزدی و گرسنگی مرگبار ۱۷۰ کارگر و خانواده های آن ها شود. اما دولتمردان مصرانه از قبول این خواست کارگران خودداری

کردند. تلاش کارگران برای بازگشت به کار و دریافت دستمزد هایشان ادامه دارد.

منبع: ایلنا

۱۲ دی ۸۸

اعتراض کارگران نساجی مازندران

کرده اند که جزای کارگری که در قبال فروش نیروی کارش دستمزد بخواهد اخراج است.

منبع: ایلنا

۱۲ دی ۸۸

زده و اعلام کرده اند که در صورت ادامه این وضعیت بر وسعت و شدت اعتراضات خود خواهند افزود. سرمایه داران تهدید کارگران را با تهدید اخراج پاسخ گفته اند. بدین سان آنان در واقع اعلام

کارگران نساجی مازندران بازهم مدت ها است که حقوق نگرفته اند. سرمایه داران جدید شرکت همچون شرکای سابق خود دستمزدهای کارگران را برای ماه های طولانی مصادره می کنند. کارگران در اعتراض به تعویق حقوق ها دست به اعتراض

تظاهرات اعتراضی خانواده های زندانیان در مقابل اوین

زنده بودن یا نبودن آن ها به خانواده ها نداده است. اجتماع روز نهم دی ماه در مقابل اوین در اعتراض به این جنایت و توحش دولت سرمایه داری برگزار شد. اجتماع کنندگان خواستار آزادی فوری و بی قید و شرط همه دستگیرشدگان بودند.

۱۱ دی ۸۸

راهی دیار مرگ نمود. دستگیری ها از آن روز به بعد مدام ادامه یافته است. بر اساس گزارشات رسمی دولتی فقط پلیس تهران ۵۰۰ نفر را تنها در صبح روز ششم تحویل سیاه چال ها داده است. شمار کل دستگیرشدگان توسط بسیج و لباس شخصی ها و سایر نیروهای سرکوب به طور قطع از هزار نفر افزون است. خانواده های دستگیرشدگان از سرنوشت عزیزان خویش به طور کامل بی اطلاع هستند و هیچ نهاد دولتی هیچ خبری حتی در باره

صبح روز چهارشنبه نهم دی ماه جمعیتی بیش از ۵۰۰ نفر در مقابل زندان اوین دست به اجتماع و تظاهرات زدند. اجتماع کنندگان عموماً افراد خانواده های دستگیرشدگان روز ششم دی بودند. دولت سرمایه در این روز بیش از هزار نفر از انسان های معترض را دستگیر کرد و راهی سیاه چال ها ساخت، شماری را هدف گلوله قرار داد و به قتل رساند، تعدادی را در زیر چرخ ماشین های قهر ضدبشری پلیس و نیروی سرکوب خویش له کرد و

احضار و بازجویی اعضای انجمن فرهنگی سایه در اهواز

در مورد ارتباط خود با انجمن سایه مورد بازجویی قرار گرفته اند.

ما هر نوع احضار و بازجویی فعالان عرصه های مختلف از جمله فعالان فرهنگی انجمن سایه را محکوم می کنیم و خواستار پایان دادن به این احضارها و بازجویی ها هستیم.

منبع: انجمن فرهنگی سایه

۱۱ دی ۸۸

فرونش اعتمادی ۹. بهارآقا الماسی ۱۰. پگاه محبوبی ۱۱. سعیده اسکندری ۱۲. فیاض بهادری ۱۳. روزبه رحیمی ۱۴. منوچهر محمودی ۱۵. پیمان فاضلی ۱۶. اعظم مهدی پور ۱۷. نبی ممینی ۱۸. روشنگر ممینی ۱۹. بهروز ممینی ۲۰. رضا ادنایی ۲۱. هما ادنایی

همچنین، فروغ میرزایی (وکیل دادگستری)، روزبه کریمی (روزنامه نگار) و مصطفی دهقان (روزنامه نگار) نیز از سوی اطلاعات اهواز احضار شده و

در ماه های اخیر و به دنبال بازداشت پژمان رحیمی و محمد اسماعیلوندی از اعضای انجمن فرهنگی سایه، اداره اطلاعات اهواز دیگر اعضای این انجمن را احضار کرده و آنان را مورد بازجویی قرار داده است. بر اساس اطلاعیه این انجمن، تا کنون افراد زیر احضار شده و مورد بازجویی قرار گرفته اند:

۱. یونس اسفندیاری ۲. حمیدرضا ربیعی زاده ۳. مانده شفیعیان ۴. سمیه بهبهانی ۵. حسین دریاپور ۶. محمدحسین عارف زاده ۷. امین منصوری ۸.

حکم زندان برای دو تن از فعالان کارگری در اهواز

اساسی چون اجتماع و تیان برای اقدام علیه امنیت کشور است، با هدف جلوگیری از فعالیت های کارگری و سیاسی و فرهنگی و اجتماعی صادر می شود.

۱۱ دی ۸۸

و ۳ سال باقی مانده به مدت ۵ سال به حالت تعلیق درآمد است.

ما حکم زندان برای فعالان کارگری از جمله پژمان رحیمی و محمد اسماعیلوندی را محکوم می کنیم و خواهان الغای آن هستیم. فعالیت کارگری و فرهنگی حق مسلم و بی چون و چرای آحاد جامعه است و این گونه احکام زندان، که مبتنی بر اتهام های بی پایه و

پژمان رحیمی و محمد اسماعیلوندی، از فعالان کارگری و اعضای انجمن فرهنگی سایه در اهواز، به ۵ سال زندان محکوم شده اند. این دو فعال کارگری و فرهنگی چند وقت پیش دستگیر شدند و پس از تحمل دو ماه زندان با قرار وثیقه ۵۰ میلیون تومانی آزاد شدند. بر اساس این حکم، که از سوی شعبه یکم دادگاه انقلاب اسلامی اهواز صادر شده است، مدت ۲ سال از این محکومیت، تعزیری است

اعتصاب کارگران لاستیک البرز

محیط کار !! متهم ساختند، کاری که صاحبان سرمایه و دولتمردان و دستگاه حکومتی آن ها مدام انجام می دهند. آنان هر نوع مطالبه دستمزد از سوی کارگران را عین جرم و معترضان به عدم پرداخت دستمزدها را مجرم و محارب و آشوبگر اعلام می کنند. کارگران به دنبال بی نتیجه ماندن اقدامات نمایندگانشان و با مشاهده توطئه گری صاحبان سرمایه تصمیم به تعطیل کار گرفتند و اعلام اعتصاب کردند. آنان تأکید کرده اند که تا دریافت کامل دستمزدها و پرداخت حق بیمه ها به اعتصاب ادامه خواهند داد.

۱۱ دی ۸۸

این نیز بسنده نکرده و از پرداخت حق بیمه کارگران هم سر باز زده اند، جنایت سبانه ای که موجب محرومیت چندین هزار زن و کودک و پیر و جوان خانواده های کارگران از بیمه درمانی شده و امکان همان دسترسی محدود و محقر بیمه به دکتر و درمان را هم از آنان سلب کرده است. کارگران در ساعت ۱۰ صبح روز پنج شنبه در اعتراض به این همه توحش سرمایه و دولتمردان سرمایه داری دست به اعتصاب زدند. آنان در هفته قبل فریاد خشم خویش را از زبان ۲۷ نماینده انتخابی به اطلاع صاحبان سرمایه و مسئولان کارخانه رسانده بودند. این فریاد بلافاصله با توطئه و ترفند عوامل سرمایه مواجه شد. سرمایه داران با دستگاه اختاپوسی و امنیت و قوای قهر دولت خویش تماس گرفتند و نمایندگان کارگران را به آشوب و نقشه ریزی برای تشنج در

کارگران لاستیک البرز یک بار دیگر دست از کار کشیدند و کل چرخ کار و تولید را در همه بخش های کارخانه از حرکت بازداشتند. چند هزار کارگر چند سال است که برای دریافت دستمزدهای خود پیکار می کنند زیرا پرداخت حقوق اندک آنان همواره با چند ماه و گاه یک سال تأخیر همراه بوده است. آنچه در این چند سال بر جمعیت چند هزار نفری کارگران این کارخانه رفته است قصه سراسر درد و غم و مصیبتی است که در سراسر جهنم توحش و بربریت سرمایه داری ایران بر دیگر بردگان مزدی سرمایه رفته است و می رود. کارگران به دنبال این همه اعتصاب و مبارزه در سال های اخیر باز هم ۵ ماه است که دستمزدهایشان توسط صاحبان سرمایه و دولت سرمایه داری مصادره شده است. سرمایه داران و دولت آن ها به

از سایت کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری بازدید کنید:

WWW.HAMAAHANGI.COM

آدرس تماس با ما:

khbitkzs@gmail.com

منشور مطالبات پایه ای طبقه کارگر ایران

هجوم نظام سرمایه داری به سطح معیشت کارگران روز به روز ابعاد وسیع تری می یابد و کارگران بیش از پیش به اعماق مرگ و نیستی رانده می شوند. در یک سوی جامعه، انباشت عظیم ثروت را می بینیم و، در سوی دیگر، شاهد گسترش فقر و فلاکت و بی حقوقی در مقیاسی بی سابقه هستیم. شکاف طبقاتی اکنون به چنان ورطه هولناک و مرگباری تبدیل شده که برای کارگران راهی جز جنگ مرگ و زندگی با سرمایه داری باقی نمانده است. این جنگ را خود سرمایه داری بر کارگران تحمیل کرده است و خودکرده را تدبیر نیست. روزی نیست که شاهد چندین تجمع و تحصن و اعتصاب و راه پیمایی کارگری علیه نظام سرمایه داری نباشیم. بستن جاده ها و قطع شریان های حمل و نقل سرمایه اکنون می رود که به یک سنت مبارزه طبقه کارگر ایران علیه سرمایه تبدیل شود.

با این همه و به رغم آن که کارگران در همه جا مطالبات یکسانی را مطرح می کنند، مبارزات آنان هنوز به زیر یک پرچم سراسری واحد گرد نیامده است. و یکی از علت های عدم شکل گیری قدرت متشکل و سراسری طبقه کارگر و بدین سان به نتیجه نرسیدن این همه مبارزه کارگری را در همین جا باید جست. پیداست که اگر مبارزه کارگران برای مطالبات پراکنده و محلی به مبارزه برای مطالبات طبقاتی سراسری و واحد ارتقا نیابد کارگران به رغم تمام جان فشانی ها و فداکاری های خود راه به جایی نخواهند برد. گام اول برای عقب نشاندن هجوم بی امان سرمایه به سطح معیشت کارگران برافراشتن یک پرچم یا منشور سراسری واحد حاوی مطالبات پایه ای طبقه کارگر است. پایه ای بودن مطالبات کارگران در این منشور به دو معناست: نخست به معنای سطح پایین و نازل مطالبات کارگران ایران نسبت به حقوق متعارف کارگران در بخشی از جهان و دوم به معنای مطالبات عمومی کل کارگران ایران که ارتقای مبارزات پراکنده کنونی شان به سطح مبارزه ای سراسری در وسیع ترین شکل آن- که خود شرط لازم مقاومت در مقابل هجوم سرمایه در شرایط کنونی است- درگرو تبدیل آن ها به پرچم واحد و سراسری طبقه کارگر است.

اما مهم تر از این ها توضیح این نکته است که کارگران مطالبات خود را از چه زاویه ای مطرح می کنند. نفس طرح مطالبه کارگران از سرمایه داران و دولت آن ها به معنای آن است که سرمایه داران حاصل کار و تولید کارگران است. مطالبه کارگران از سرمایه داران از بابت هیچ چیز نیست مگر از بابت کاراضافی ای که برای سرمایه داران انجام داده اند اما در ازای آن هیچ چیز نگرفته اند. بنابراین، کارگران با طرح مطالبات خود در واقع به سرمایه داران و دولت آن ها می گویند که آنان باید این مطالبات را از محل همین کار پرداخت نشده برآورده کنند. بدین سان، کارگران در همان مبارزه خودانگیزه خویش نظم سرمایه را به چالش می کشند و باید بکشند. کارگر در لحظه لحظه زندگی خود به گونه های مختلف این مضمون ضدسرمایه داری را بیان می کند که چرا باید من کار کنم اما یکی دیگر بخورد؟ چرا باید تمام ثروت جامعه را من تولید کنم اما خودم از آن کاملاً بی بهره باشم؟ این همان رویکرد و زاویه ای است که ما به مثابه بخش کوچکی از طبقه کارگر منشور حاضر را بر مبنای آن تدوین کرده ایم.

مطالبات پایه ای طبقه کارگر ایران در شرایط کنونی عبارتند از:

- ۱- حداقل دستمزد ماهانه کارگران باید براساس ثروتی که آنان برای جامعه تولید کرده اند («تولید ناخالص داخلی») و اختصاص سهم هرچه بیشتری از این ثروت به ارتقای سطح زندگی و رفاه کارگران تعیین شود.
- ۲- تمام افراد زیر ۱۸ سال باید از محل ثروتی که کارگران برای جامعه تولید کرده اند حقوق ثابت ماهانه دریافت کنند.
- ۳- کارخانگی باید از میان برود، اما تا آن زمان باید به زنان خانه دار دستمزدی معادل دستمزد کارگران شاغل تعلق گیرد.
- ۴- تمام افراد جامعه باید از تأمین اجتماعی شامل حقوق بازنشستگی و از کار افتادگی و بیمه بیکاری برخوردار باشند.
- ۵- تمام بیکاران آماده کار باید مشمول بیمه بیکاری باشند. بیمه بیکاری نباید از حداقل دستمزد کارگران شاغل کمتر باشد.
- ۶- هر نوع قرارداد استخدام موقت باید ملغی شود.
- ۷- حقوق تمام شاغلان، بیکاران، زنان خانه دار و افراد زیر ۱۸ سال باید حداقل تا بیست و پنجم هر ماه پرداخت شود.
- ۸- شاغلان در تمام مراکز کار و تولید در تمام شیفت های کاری باید از غذا و سرویس ایاب و ذهاب رایگان برخوردار باشند.
- ۹- مسکن مناسب با تمام امکانات رفاهی و ارتباطی و وسائل خانگی حق مسلم هر شهروندی است. تحقق این امر درگرو آن است که:
 - از ساختمان های تحت مالکیت دولت که اینک در اختیار نهادهای دولتی قرار دارند برای تأمین مسکن شهروندان استفاده شود.
 - دولت هر سال درصد معینی از بودجه را به احداث واحدهای مسکونی جدید برای شهروندان اختصاص دهد.
- ۱۰- بهداشت و دارو و درمان انواع بیماری ها باید رایگان باشد.
- ۱۱- آموزش و پرورش در تمام سطوح باید رایگان شود.
- ۱۲- حمل و نقل عموم مردم در سراسر جامعه باید رایگان شود.
- ۱۳- تمام مردم باید از مهد کودک رایگان استفاده کنند.
- ۱۴- همه سالمندان و معلولان باید به صورت رایگان تحت مراقبت قرار گیرند.
- ۱۵- کار کودکان و جوانان زیر ۱۸ سال باید به طور کامل ملغی شود.
- ۱۶- هرگونه تبعیض جنسی در مورد زنان باید از میان برود. برای تحقق این خواست باید:
 - زنان در تمام قوانین از جمله قانون کار، قوانین مربوط به ازدواج و قوانین کیفری با مردان حقوق برابر داشته باشند.
 - هر نوع دخالت دولت در تعیین نوع زندگی، روابط زن و مرد یا دختر و پسر و پوشاک زنان ممنوع شود.
 - ازدواج یا جدایی همسران از یکدیگر با توافق آزادانه و حق برابری کامل میان آنان صورت گیرد.
 - هرگونه ازدواج قبل از سن ۱۸ سالگی ممنوع شود.
- با ایجاد فرصت های شغلی برای زنان و امکاناتی رایگان چون شیرخوارگاه، مهدکودک، سالن غذاخوری و رخت شوی خانه به صورت گسترده و فراگیر در محل های کار و سکونت زمینه اجتماعی شدن کارخانگی فراهم شود.
- ۱۷- تمام افراد جامعه باید بدون هیچ قید و شرطی از آزادی های سیاسی از قبیل آزادی عقیده و بیان، آزادی نشریات و مطبوعات، آزادی اعتصاب، آزادی تجمع و تحصن و راه پیمایی و تظاهرات برخوردار باشند.
- ۱۸- ایجاد هرگونه تشکل از جمله تشکل ضدسرمایه داری و سراسری طبقه کارگر باید آزاد باشد.

کارگران علیه سرمایه متشکل شویم !
کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری

اول ماه مه سال ۱۳۸۸

خبرنامه کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری را به

دست کارگران برسانید.

سایت کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری به طور روزمره به روز شده و اخبار جدید کارگری در آن منتشر می‌گردد.

آدرس سایت را به اطلاع همه برسانید:

WWW.HAMAAHANGI.COM

برای تماس با ما نامه الکترونیکی خود را به آدرس زیر بفرستید:

khbitkzs@gmail.com

برای اشتراک این خبرنامه به سایت کمیته مراجعه کرده و آدرس الکترونیکی خود را در قسمت "خبرنامه سایت" وارد کنید. در صورتی که مایل به ادامه اشتراک نیستید، می‌توانید در همین قسمت خواهان حذف نام خود از فهرست مشترکین شوید.